

پیش بینی اشغال افغانستان از سوی شوروی: سند اجتماع استخباراتی

یا

(داستان کودتاها در افغانستان: از کودتای 26 سرطان تا کودتای ثور و کودتاهای بعدی...)

برگردان: خلیل

9 -

مستندات شوروی راجع به پلان اشغال

بایگانی های شوروی که در سالیان اخیر برملا شده اند نشان میدهند که عملیات نظامی انجام گرفته در ماه دسمبر 1979، به حیث بخشی از رد عمل (پاسخ) مسکو در برابر تمرد عساکر ارتش افغان در هرات، دست کم نه ماه قبل آغاز به شکل گیری کرده بود. در یک وسیع پلیت بی 17 مارچ، که اختصاصاً برای سنجش عکس العمل ها در وضعیت افغانستان تدویر شده بود، کرپلینکو عضو ارشد بیروی سیاسی و و نایب رئیس جلسه (بریزنیف در این اجلاس حضور نداشت) ضمن اظهارات آغازینش به "پیشنهاداتی که تکمیل شده و اینک پیشروی شماس" ¹²⁸ مباحثات بعدی بطور واضح نشان داد که استفاده از نیروهای جنگی شوروی در افغانستان شامل این لست (پیشنهادت) بود.

بعد از آن که چندین عضو بیروی سیاسی در مورد احتمال استفاده از واحدهای رزمی (اوستینوف وزیر دفاع به تشریح اقدامات غیر مترقبه ای پرداخت که باید تهیه می شدند. او گفت که یک گزینه خواهان آماده سازی فرقه 105-ام هوایی و هنگ تفنگدار موتوریزه برای رفتن به در روزیست که هدایت داده می شود. دو فرقه پیاده به ساحات سرحدی فرستاده می شوند. همین که در آنجا مستقر شدند، آنها آماده می شوند، در صورت رف سه روز وارد افغانستان گردند. اوستینوف گفت که نظامیان در حال آماده نمودن یک پلان بدیل بودند که برطبق آن فرقه های پیاده بتوانند فوراً وارد افغانستان شوند. دو فرقه ای که او نام برد - "فرقه 5- توپخانه موتردار"، که استخبارات ایالات متحده از آن به حیث فرقه 5- تفنگ دار موتوریزه گارد در کشککه نام برده، و "فرقه 68-ام موتردار" که از سوی استخبارات ایالات متحده به حیث فرقه 108-ام تفنگدار موتردار در ترمز شناخته می شد - عین دو فرقه ای بودند که استخبارات ایالات متحده چند روز بعد حالی رد یابی کرد که به تمرینات و رات انتخابی احتی کردند تا وقتی که واحد ها در ماه دسمبر وارد افغانستان شدند بطور متفرق دامه داشت. ¹²⁹



یوستینوف وزیر دفاع وقت شوروی (تزیینی)

عین یک لاس وسیع بیروی سیاسی برای بحث و گفتگو، اوستینوف اظهار داشت که فرقه سوم نیروی زمینی نیز "در ناحیه نظامی آسیای مرکزی" آماده شده بود. این فرقه سومی، در حقیقت، در حین اشغال بسیج شده بود و در حدود یک ماه بعد بداخل افغانستان رفت. این فرقه (توسط تحلیل گران ایالات متحده به نام فرقه 210-ام تفنگدار موتوریزه شناسائی شده بود) در شهر دوشنبه تاجیکستان، یکی از جمهوریهای شوروی که بخشی از ناحیه نظامی آسیای مرکزی را تشکیل میداد. ¹³⁰

درگیر ساختن نیروهای رزمی در افغانستان در طی اولین روز این میثینگ وسیع بیروی سیاسی همچون یک سؤال مدنظر گرفته شده بود.¹³¹ در اوایل این اجلاس اندری گرومیکو وزیر خارجه تأکید کرد که، با در نظر داشت کمک به رژیم کابل:

مابایست بادر نظر داشت این اساسی پیش بریم که... در تحت هیچ شرایطی ما (نه) می توانیم افغانستان را از دست بدهیم. تا کنون برای 60 سال ما با افغانستان در صلح و دوستی زیسته ایم. و اگر کنون افغانستان را از دست بدهیم و این کشور علیه اتحاد شوروی تبدیل گردد، این کار منجر به یک شکست سخت برای سیاست خارجی () خواهد شد.¹³²



یوری اندروپوف رییس وقت کی جی بی (تزیینی)

یوری اندروپوف رئیس کی جی بی، با بحث روی نیاز به کردن افکار عامه برای وارد کردن نیروهای نظامی، که این کار بایست انجام شود" با در نظر داشت اینکه ما به حیث متجاوز شناخته خواهیم شد، اما این کار علیرغم آنست که ما نمی توانیم افغانستان را از دست بدهیم". و پسانتر در این اجلاس الکسی کاسیگین صدراعظم این حرف را به میان کشید که " همه موافقیم- ما نباید افغانستان را از دست بدهیم." با اینکه او به وضوح راجع به شایندگی درگیر سازی عساکر شوروی، دو دلی نشان داد، کاسیگین بطور صریح تصدیق کرد که این کار به حیث گزینه "همچون یک چاره نهائی" باقی می ماند. گفتگوها تاکتیک هائی را مورد ملاحظه ق نیاز انتقال پیام به رژیم افغان برای " درخواست" نیروهای شوروی به تره کی بخاطر تأمین حقانیت (افکار) عامه هرگونه حرکت نظامی ایکه مسکواقدم کند. اوستینوف خاطر نشان ساخت که اگر عساکر رزمی شوروی درگیر شوند، آنان نباید با نیروهای افغان یکجا دسته بندی¹³³.

همچنان نگرانی های کلانی از سوی چندین شرکت کننده روی دور نمائی شد که حمایت قوی برای شورشگری در میان بنیاد گرایان اسلامی می توانند برای نیروی مداخله گر شوروی باعث " دست یازیدن به جنگ با پیمان قابل ملاحظه " علیه مردم افغانستان گردند. میزان اعتماد ارتش افغان نیز مورد سؤال قرار گرفت. گرومیکو، با وجود ممانعت ستیزگرانه اش راجع به " از دست ندادن افغانستان"، تأکید کرد که در همکاری با ارتش افغان" ایکه دست به اقدامات غیر عادی زد یک چیز است" " یک حکومت قانونی حمایت نکند... کاملاً یک موضوع متفاوتی است. اگر ارتش علیه حکومت باشد، و در نتیجه علیه نیروهای ما، پس در واقع موضوع مغلق خواهد بود." ¹³⁴

اخیر این نخستین اجلاس، یک تصمیم بیروی سیاسی راجع به اینکه آیا برای بالفعل به عهده گرفتن دخالت مستقیم نظامی را تا وقتی صبر کرد که یک تصویر روشن - مثال، راجع به وضعیت حقیقی نیروهای مسلح افغان روی بدهد. طوریکه کرپلنکو بیان کرد: " اگر ما [عساکر مان را] بدانجا بفرستیم کی ها خواهد جنگید؟" در نتیجه، " چه چیزی را در این بین بدست خواهیم آورد؟ معهذاً، به وزیر دفاع صلاحیت داده شد تا آمادگی های برای پیش آمدهای غیر مترقبه را ادامه بدهد که اوستینوف پیشنهاد کرد، به شمول تفویض صلاحیت روشن برای بردن دو فرقه به سرحدات.

بیروی سیاسی موافقه کرد که، در عین زمان، آنها می توانند با بیشترینه ی سایر اقدامات کمکی پیش بروند که پیشنهاد شده اند وحتی بعضی شان را تسریع نمایند. این اقدامات شامل حمل تسلیحات (به استثنای سیستم هائی که می تواند برای رهبران افغان بهانه ای برای درخواست گروههای مسلح شوروی بدست بدهد)، کمک های اقتصادی و ذخایر مواد. همچنان توافقی بدست آمد تا حرکات دیپلماتیکی را در رابطه با حکومتی- مانند پاکستان و چین- باید آغاز کرد که اعتقاد وجود داشت برای تأمین می نمای.¹³⁵

در ثبت رویداد های دومین اجلاس بیروی سیاسی، به تاریخ 18 مارچ، می خوانیم- مثل اینکه این اجلاس در دست یک تیم کاملاً متفاوت بازیگرانی ن هیچ رابطه ای به آنچه که در روز گذشته گفته شد. که در روز با وجود بهای برچسپ دار شدن متجاوز، "در تحت هیچ شرایطی ما می توانیم افغانستان را از دست

بدهیم،" حالا تأکید کرد که بخاطری که (وضعیت) افغانستان باتعریف لنین از شرایط انقلابی مطابقت نداشته، شورشگری را با کمک سرنیزه شوروی سرکوب می نماید یک مخاطره ناپذیرفتنی بود. گرومیکو، که ادعا شده دوبار بطور آمرانه تأکید کرد "نمی توان" () " حالا گفت او" پیشنهاد رفیق اندروپوف را برای رد کردن... تعبیه قشون های ما بطور مکمل حمایت میکند." بقول گرومیکو، جواب به سؤال روز گذشته " [ارتش ما] علیه کی خواهد جنگید؟" این بود که " علیه مردم افغانستان"، و این بدان معنی است که "همه چیزهایی که ما درسالیان اخذ مساعی برحسب () دیتانت، خلع سلاح و خیلی چیزهایی دیگرکرده ایم - اصل خود بر میگردند." ¹³⁶ بهای فرستادن عساکر حالاً قضاوت می شد که قیمت خیلی بلندی بود که برای حفظ افغانستان پرداخته می شد، در حالیکه افغانستان یک روز قبل به چیزی تعبیر و توصیف می شد که " نمی توانست از دست برود."

برای بقیه این اجلاس، هریک از شد کت کنندگان اصلی فرمان بردارانه با این اعتقاد راسخ توافق کردند. کسی که با تفصیل های روز گذشته آشنائی نداشته باشد ثبت (موقع) اجلاس روز دوم را می تواند موجه همچون دهنده مداخله نظامی ای که هیچ گاه مد نظر گرفته نه شده تعبیر نماید. هرچند، کرلینکو، مرتکب تعدادی از تخلفات از این تراز بندیها گردید. او تعهد کرد که:

دیروز... متمایل به نتیجه گیری ای بودیم که ماباید وشاید، چه بسا، به اقدامات برای تعبیه یک تعداد واحد های نظامی بودیم. امروز... گفتگوهای اینجا بطور کاملاً دقیق یک مسیر کاملاً متفاوتی بخود گرفت، بدین معنی که همه موضع گیری ای حمایت کردیم که هیچ اساسی برای آنچه که بکارگیری نیروهاست وجود ندارد.

اندروپوف به سرعت تصریح کرد که " دیروز افغان ها صحبت از تعبیه عساکر نمی کردند". (صورت جلسه روز گذشته نشان میدهد که افغانها راجع به آن صحبت میکردند، و یقیناً شوروی ها نیزداشتند راجع به آن صحبت میکردند، به شمول این مسئله که آیا آنها بایست برتره کی فشار بیاورند تا تقاضای نیروهای شوروی را نمایند.) اندروپوف گفت " حکومت تره کی حمایت نمی کنند"، و اعلام داشت که رهبرافغان نیاز دارد تا برایش گفته شود" در هیچ شرایطی ما به سوی تعبیه عساکر درافغانستان پیش خواهیم رفت." سپس کرلینکو به تشریح و توصیف منش اش پرداخته، گفت که " دیروز ما در مورد ارایه کمک نظامی متفق القول بودیم، اما(امروز) ما موضوع را با احتیاط مورد بحث قرار داده، گزینه های گوناگون را مد نظر گرفته، و شیوه های مختلف را به بررسی گرفتیم، سوای تعبیه عساکر." ¹³⁷

چنان می نماید که بریژنیف یک (19) بندی دقیق تری از آنچه که موضع گیری شوروی بود را، ارایه داد، وقتی که او در اجلاس بیروی سیاسی برای تصویب رسمی پیشنهاد های رسیده از جلسات قبلی شد. بریژنیف گفت:



بریژنیف رهبر وقت شوروی (تزیینی)

مسئله ی برجسته شده شرکت فوری عساکر ما درمنازه ای می باشد که درافغانستان سر بلند نموده است. به نظر بیروی سیاسی بطرز درستی تصمیم گرفت که زمان برای ما مناسب نیست (تأکید) ¹³⁸ گردیم.

بطور واضح، بین نخستین اجلاس بیروی سیاسی، گفتگوهای درپشت درهای بسته صورت گرفتند، احتمالاً آگاهی توسط سنجش ها و براندازها اضافی و منعکس کردن نقطه نظر بریژنیف. رهبری درکل تصمیم گرفت تا نیروهای نظامی را، دست کم برای فعلاً، درگیر نه کند. معهدا، قدم هائی برداشته شد اطمینان حاصل شود درصورتی که این تصمیم تغییر نماید نیروها ، طوریکه در بیانیه اوستینوف در نزدیکی های اخیر اجلاس :

دو فرقه در ناحیه نظامی ترکستان [دو فرقه ای که او در اوایل تشریح و توصیف نمود] و یک فرقه در ناحیه نظامی آسیای مرکزی تشکیل میدهم. ما سه هنگ (رجیمنت) [حدود 3500 4000 عساکر، وابسته به نوعیت هنگ] داریم که

واقعا می توانند در ظرف سه ساعت (به) البته، من اینجا، فقط برای تأکید وضعیت آماده بودن مان میگویم. همانند سایر رفقایم، من از ایده عساکر مان در افغانستان حمایت نمی کنم. من [برای] انجام تمرینات تاکتیکی در سر با افغانستان و برای تشکیل هنگ ها و فرقه [احتمالاً با احضار تعدادی از احتیاط ها] اجازه خواهم خواست.¹³⁹

(اسناد) از طبقه بندی بیرون شده استخبارات ایالات متحده از این دوران واضحاً تأیید می کنند که، این پیشنهاد (اوستینوف) به مورد اجرا گذاشته شد.

زیادی اسناد به انتظار عامه قرار داده شده شوروی که ماه های بعدی (این اجلاس) را احتوا می کنند، نشان میدهند که شوروی ها تقاضاهای رژیم افغان را برای (فرستادن) عساکر شوروی رد کرده بودند. تعداد زیادی اسنادی که نقاط نظر مشابه دارند نیز در حکایت های راجع به اشغال افغان توسط افسران نظامی شوروی سابق برملا شده اند. شواهد از منابع دیگر نیز نشان میدهند که افغانها چنین درخواست هائی کرده بودند و اینکه مسکو برای چندی در مورد دخیل ساختن واحدهای رزمی بی میل بود. هرچند، این نیز درست است که؛ حمایت بنیادی ای که مقامات شوروی برای دخالت نظامی ارایه دادند عبارت از اینکه این کار در نهایت یک عکس العملی خواهد بود در برابر درخواست (التماس) افغانها کمک در جنگ با شورشگری ای که کمک خارجی را دریافت میداشت. از اینجا است که این کار قابل فهم می شود که اسناد بیشتر داشتند ه این جنبه تصمیم گیری شوروی راجع به افغانستان نسبت به سایر جنبه ها بیرون داده می شدند.

140



یک عده سربازان شوروی با تغییر

که در قطعه الفاشرکت داشتند (تزیینی)

نخستین سند شناخته شده شوروی که از استقرار خاص یک واحد رزمی در افغانستان نام می برد با ن تین واحدی که استخبارات ایالات متحده رد یابی کرده بود همخوانی دارد: گردان هوایی در بگرام در ماه جولای 1979 شناسائی شد. یک 28 1979 مربوط به کمیسیون خاص بیروی سیاسی راجع به افغانستان (متشکل از گرومیکو وزیر خارجه، اندروپوف رئیس کی جی بی، اوستینوف وزیر دفاع، بوریس پاناماریف رئیس شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی، استقرار یک گردان هوایی برای حفاظت واحدهای هوایی شوروی در بگرام توصیه کرد. این توصیه حاکی بود که عساکر حین مصروفیت در حفظ و مراقبت طیارات و خدمت باید تغییر قیافه داده شوند. تا بید برای این استقرار در یک جلسه بیروی سیاسی در روز دیگر داده شد.¹⁴¹

همچنان توصیه دیگر در عین همین سند اعزام فوری یک گروه خاص کی جی بی به کابل، با تغییر قیافه مانند پرسنل خدماتی سفارت، "برای دفاع از سفارت شوروی". آخرین نه کمترین، سند پیشنهاد می نمود که "یک ستاد عمومی GRU" (یک واحد نظامی استخباراتی) " بعد از آن که آمادگی ها [بیشتر مشخص نه

شده بود[تکمیل شدند" در آغاز ماه آگست به بگرم فرستاده شود. قرار بود تا این گروپ GRU با هرگونه "وخامت شدید وضعیت برای تأمین امنیت و دفاع نهاد های بخصوص و مهم حکومتی سرو کار داشته باشد". علیرغم پنهان کاری و تغییرقیافه دادنها مشکلات در تعیین سرشماری و () دقیق تباری،موجودیت این گروپ های خاص بیشتر مکشوف 142. البته آنچه که بیشتر آشکاری شد عبارت از نگاه اجمالی یک قدم ابتدائی در آنچه یک پروسه جاری رخنه کردن های کوچک - - هنگ- واحدهای رزمی ونیروهای خاص توی افغانستان. در خاتمه، این واحده آنچه فراهم کردند که دراصطلاح علم نظامی می توان موضع سوق الجیشی نامید.

پایان قسمت- ؛ ادامه دارد....

128. See "The Soviet Union and Afghanistan, 1978-1989: Documents from the Soviet and East German Archives," and "Transcripts of CPSU Politburo Discussions on Afghanistan, 17-19 March 1979," Woodrow Wilson Center, *Cold War International History Project Bulletin 8-9*, Winter 1996-97, pp. 136-145, hereafter cited as CWIHP.

129. *Ibid.*, p. 139.

130. *Ibid.*, p. 144. For deployment of the 201st Motorized Rifle Division into Afghanistan, see IIM, *Soviet Options in Afghanistan*, p. 47.

131. See "Meeting of the Politburo of the Central Committee—17 March 1979," from the "Transcripts...." cited in footnote 126, pp. 136-140.

132. *Ibid.*, p. 137.

133. *Ibid.*, pp. 139-140.

134. *Ibid.*, pp. 137-139.

135. *Ibid.* . The recommendations are summarized on p. 140. The "who will be fighting" passage appears on p. 138, in remarks by Kirilenko.

136. *Ibid.* ., pp. 141-142.

137. *Ibid.* ., p. 142.

138. *Ibid.* ., p. 143. The record of the 19 March 1979 session is on pp. 143-145.

139. *Ibid.* ., p. 144.

140. For a sample, see the documents dated 17,18, 20 and 22 March; 14 April; 24 May; 19-21 July, and 25 August 1979, *CWIHP Bulletin 8-9*, pp. 145-154. Garthoff, *Détente and Confrontation*, p. 1008, provides a list of six other documents showing Afghan requests for troops.

141. "Gromyko-Andropov-Ustinov-Ponomarev Report to the CPSU CC on the Situation in Afghanistan, 28 June 1979," in "The Soviet Union and Afghanistan, 1979-1989," *CWIHP Bulletin* 8-9, pp. 152-153. Regarding the increase in troops at Bagram to an estimated 600 around August-September 1979, see US Embassy Kabul 73194, 3 October 1979, at the National Security Archive, Nobel Compendium. Regarding the approval, see Garthoff, *Détente and Confrontation*, p. 998, note 57 on Protocol 156 of the 29 June Politburo meeting.

142. US Embassy Kabul 7319, 3 October 1979, for example, describes the detachments of Soviet soldiers providing security in Kabul wearing Afghan Army uniforms.

\